



نشریه علمی اندیشه‌های نو در علوم جغرافیایی، دوره ۱، شماره ۱، پاییز ۱۴۰۲، صفحات ۱-۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۷

Doi : <https://doi.org/10.71787/10.71787/ntigs.2023.783166>



واکاوی عوامل فرهنگی و هویتی در شهرسازی و معماری دوره پهلوی (مطالعه موردی: شهر اهواز)

احمد رضا کابلی

استادیار گروه معماری، واحد ماهشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ماهشهر، ایران

چکیده

فرهنگ یک مرزو بوم بر روی شهرسازی و معماری آن بسیار تاثیرگذار بوده و با محفوظ داشتن عوامل بنیادی، فرهنگی و هنری در بناها یک اثربخشی ویژه‌ای به جا می‌گذارد. غرب‌گرایی در شهرسازی و معماری دوره پهلوی مشهود است تا جایی که تحولات زیادی در فرم پلان‌ها در این دوره شاهد هستیم. روش این پژوهش، از نظر هدف کاربردی و بر اساس روش تحقیق پیمایشی با تاکید بر پرسشنامه می باشد. هدف اصلی تحقیق ارزیابی ارتباط عوامل فرهنگی (نما و پلان) در شهرسازی و معماری در شهر اهواز و به طور متمرکز بر روی سه بنا از بناهای مهم ساخته شده دوره پهلوی از جمله بنای دانشکده سه گوش، ساختمان سیلو و هتل قو با معماری عصر مدرنیسم اروپایی می باشد. داده های تحقیق براساس پرسشنامه گردآوری و برای ارزیابی پایایی ابزار پژوهش، از روش کرونباخ استفاده شده است. تعداد و نوع نمونه گیری از طریق روش گلوله برفی (۴۱ نفر از کارشناسان خبره) بوده است. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های کلموگروف - اسمیرنوف و علامت انجام شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، بر اساس آزمون کلموگروف - اسمیرنوف مقدار سطح معناداری آزمون در تمامی موارد کمتر از ۰/۰۵ شده است. بنابراین فرض نرمال بودن داده‌ها رد شده است. همچنین براساس آزمون علامت میزان ارتباط شاخص نما با مقدار ۱/۷۳۹ و سطح معناداری ۰/۰۸۲ و شاخص پلان با مقدار ۱/۵۶۲ و سطح معناداری ۰/۱۱۸ در سه بنای مورد مطالعه معنادار نبوده و استفاده از هر دو شاخص (نما و پلان) در معماری دوره پهلوی نسبت به معماری مدرنیسم اروپایی یک اندازه بوده است.

کلمات کلیدی: فرهنگ و هویت، شهرسازی، معماری، دوره پهلوی، شهر اهواز

مقدمه

آغاز دوره پهلوی، آغاز تغییرات سریع است، این تحولات تقریباً در همه‌ی زمینه‌ها ایجاد گردید. دوره پهلوی اول، تلاش تأمل‌انگیزی است از کشوری که سعی دارد با میل به مدرنیته‌ای که از دوره صفوی و قاجار به ارث آورده کنار بیاید و وارد دوران جدیدی همسو با جریان فرهنگی جهانی شود. اندیشمندان و معمارانی که در کنار قدرت حاکم در شرایط جدید سعی در ایران نوینی دارند که همسو با اندیشه جهانی گام بردارد و از سویی میل به حفظ هویت و گاهی حس نوستالژی و ملی‌گرایی گریبانشان را رها نمی‌کند. همین شرایط ویژه، سبب ایجاد معماری خاصی با موضوعیت تقابل سنت و مدرنیته در آن دوران و نمود آن در بستر و فرهنگ شد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۲۵). به همین سبب، بررسی و مطالعات این دوره از اهمیت فراوانی در تاریخ معماری ایران برخوردار است؛ زیرا معماری این دوران به علت چند گانگی، صلابت و اصالت گذشته خود را از دست داده است و با احداث ساختمان‌های متعدد، با سبک‌های مختلفی روبه‌رو می‌شویم که هماهنگی لازم را با یکدیگر ندارند و هر کدام به دوره یا سبک خاصی یا ترکیبی از سبک‌ها و دوره‌ها اشاره دارند. در واقع می‌توان معماری این دوره را ترکیبی از مکاتب مختلف فکری دانست که از اواخر دوره قاجاریه آغاز شده و در دوره پهلوی ادامه یافته است. مکاتب و گرایش‌های سیاسی مذکور تأثیر بسزایی در شکل‌گیری معماری این دوران داشتند که باعث بوجود آمدن سه جریان متفاوت در معماری و شهرسازی این دوره شدند. معمارانی که در این دوره به طراحی بناها می‌پرداختند از جمله؛ معماران سنتی، معماران تحصیل کرده در غرب و معماران غیر ایرانی مقیم ایران بوده‌اند. از طرفی حکومت پهلوی به دو دوره اول و دوم تقسیم می‌شود که هر یک از آنها دارای تفاوت‌هایی در زمینه‌ها مختلفی هستند (بابایی و خاک‌زند، ۱۳۹۷: ۱۷۲). اهمیت بناهای این دوران و تأثیر این ساختمان‌ها بر معماری امروز که در بسیاری از شهرهای کشور همچنان برجای‌مانده و بخش مهمی از بناهای امروزی را تشکیل می‌دهند، موضوعی است مهم در ادبیات معماری عصر حاضر. یکی از این شهرها؛ کلانشهر اهواز است که با مرکزیت یک اتفاق، در قرن حاضر با کشف چاه‌های نفت و استقرار مراکز تولیدی متفاوت، تغییرات کالبدی چشمگیری در آن به وجود آمد که به گسترش و توسعه شهر انجامید. به ناگاه جامعه‌ای کاملاً سنتی که بخش عمده آن را عشایر تشکیل می‌داد، به واسطه کشف نفت و حضور انگلیسی‌ها در این منطقه، با آخرین دستاوردهای علمی، فنی و ساختمانی غرب مواجه شد و در مسیر نوگرایی قرار گرفت که در نهایت و در طول زمان باعث تشکیل طبقه‌ای جدید با هویتی جدید شد. شهر اهواز با شرایط خاص تاریخی در این دوران پستی بلندی‌های بسیاری دیده است و شهری نو از لحاظ ساختار فرهنگی و معماری می‌باشد. در این پژوهش هدف محقق، ارزیابی عوامل فرهنگی در شهرسازی دوره پهلوی در شهر اهواز و به طور متمرکز بر روی سه بنا از بناهای مهم ساخته شده این دوره از جمله بنای دانشکده سه گوش، ساختمان سیلو و هتل قو با معماری عصر مدرنیسم اروپایی است. دو فرضیه مهم در این پژوهش مطرح شده است که عبارتند از:

- به نظر می‌رسد شاخص نما در سه بنای مورد مطالعه به عنوان یک عامل فرهنگی در معماری عصر پهلوی با معماری مدرنیسم اروپایی ارتباطی ندارد.

- به نظر می‌رسد شاخص پلان در سه بنای مورد مطالعه به عنوان یک عامل فرهنگی در معماری عصر پهلوی با معماری مدرنیسم اروپایی ارتباط دارد.

پیشینه پژوهش

در ادامه، به معرفی پیشینه‌ی معماری و شهرسازی دوره پهلوی و زمینه‌گرایی پرداخته می‌شود. در کشور ایران و سایر کشورها در سال‌های اخیر مقالات و پژوهش‌های زیادی در مجلات علمی در این زمینه منتشر شده است که در این خصوص می‌توان به برخی از آن‌ها اشاره کرد:

- مولائی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان مطالعه تطبیقی هویت شهر در معماری و عکاسی دوره پهلوی اول پرداخته است. رابطه میان معمار، اثر معماری و مخاطب، روند شکل‌گیری و درک هویت را آشکار می‌سازد. این جریان تابع زمان، مکان و فرهنگ بوده، از شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی جامعه تاثیر پذیرفته است. هویت یا معنای یک اثر، منوط به تصویری است که از آن اثر در ذهن مخاطب نقش می‌بندد. فضاهای شهری و بناهای معماری به عکاسان کمک می‌کنند تا از طریق فضا سازی به ایجاد هویت و خلق مکان بپردازند و موقعیت فرهنگی، تاریخی، اجتماعی زمان خود را ثبت کنند.

- کامی شیرازی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان نقش گروه‌های اجتماعی - فرهنگی در شکل‌گیری کوی‌های مسکونی دوره پهلوی دوم در تهران پرداخته است. تحولات دوره پهلوی دوم و ویژگی‌های فرهنگی معیشتی ساکنان کوی‌های مسکونی بر معماری خانه‌ها تأثیر گذاشته است. در مسکن گروه‌های پایین با درآمد کم، برنامه‌های دولتی و توان مالی اندک ساکنان باعث بروز سادگی در شکل‌گیری فضاهای مسکونی و کاهش کمیت و کیفیت شاخص‌های اجتماعی - فرهنگی مسکن شده است. در مسکن گروه‌های متوسط و مرفه تحول در طرح خانه‌ها به صورت دوبلکس نمایانگر تمایز اجتماعی این گروه بوده و شاخص‌های کمی و کیفی مسکن افزایش یافته است.

- اکبری و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان تبیین روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی در معماری ایران به بررسی بناهای ارزشمند دوره پهلوی در تهران با دیدگاه معماری زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی پرداخته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی متفاوت از یکدیگر عمل می‌کنند به این صورت که زمینه‌گرایی در مقیاس کوچکتر نسبت به سایت و همسایگی‌های آن و منطقه‌گرایی در مقیاس بزرگتر و در حد ملی و منطقه‌ای می‌باشد.

- بابایی و خاک‌زند (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان زمینه‌گرایی در آثار معماران غیر ایرانی در دوره پهلوی اول (مدرسه البرز و ایران‌شهر) پرداخته است. نتایج به دست آمده بیانگر آن است هر دو نمونه از منظر شباهت‌های سبکی و ظاهری به مواردی همچون استفاده از مصالح، تزیینات و اشارات تاریخی توجه داشته اند؛ اما بخش عمده‌ای از نظام ارزشها که زیرساخت زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و عملکردی بناهای آموزشی را تشکیل می‌دهند و نقش مهمی در شیوه‌ها و اهداف آموزشی دارند نادیده گرفته شده است. این بی‌توجهی در خصوص مدرسه البرز بیشتر مشهود است؛ زیرا با توجه به قرارگیری آن در پایتخت، تحت تاثیر نظام‌های حکومتی و همچنین ناسیونالیسم تجدیدگرا قرار گرفته است که به نوعی تحت نفوذ اندیشه‌های غرب است. اما مدرسه ایران‌شهر علاوه بر شباهت‌های ظاهری به معماری ایرانی، تلاش کرده است تا شیوه‌های آموزش ایرانی و به کارگیری فضای باز را نیز در نظر بگیرد.

- بهمنی و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان بررسی شناخت عوامل زمینه گرا در کالبد خانه ها و بافت کهن سنندج پرداخته است. با توجه به معماری بومی خانه های سنندج می توان بوسیله مؤلفه های زمینه گرایی به بازتولید و احیای اصول و معیارهای خانه های آن دست یافت، همچنین در دوره معاصر ارائه معماری در بافت قدیم مبتنی بر ارزش های مناطقی از شهر سنندج امکان پذیر است. یافته های این پژوهش حاکی از عوامل زمینه گرا در زمینه طبقات، پلان، جهت باد، جهت و فرم پلان، نورگیرها و غیره در کالبد خانه های سنندج حکایت دارد.

- کوچک خوشنویس و پورابراهیم (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان نقش معماری زمینه گرا در حفظ و انتقال هویت معماری بومی می‌پردازد. این مقاله نشان می‌دهد که نگرش صحیح در همساز نمودن بناها با هویت فرهنگی، آداب و رسوم، دین، طبیعت و اقلیم یک سرزمین خاص در جهت حفظ ارزش های تاریخی، محیط زیست و استفاده بهینه از منابع، مبین هویت معماری بومی آن منطقه بوده و می تواند از اصلی ترین مولفه های هدایت زمینه گرایی باشد. همچنین نقش نگرش زمینه گرایی در حفظ انتقال و ارتقاء معماری بومی تاثیر زیادی دارد.

- هلاله و همتی (۱۳۹۲) در مقاله ای با عنوان بررسی تاثیر فرهنگ بر معماری دوره پهلوی اول در اهواز پرداخته است. گذر از سنت به مدرنیته در این دوره بسیار مشهود است. بویژه اینکه معماری این دوره در شهر اهواز به طراحی فضاهای مدرن، استفاده از مصالح جدید، معماری همسو با شکل تجددخواهانه حاکم، ورود معماران خارجی در طراحی ها و آموزش معماری و... را می توان نام برد.

- تانگ و تاریف^۱ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان بررسی استراتژی های معماری زمینه گرا برای تقویت تعامل اجتماعی در جامعه شهر مالزی پرداخته است. نتایج آن نشان می‌دهد، شرط اصلی بروز فعالیت‌های جمعی چه به صورت فعال و چه به صورت منفعل، وجود شرایط محیطی مناسب و حضور دیگر افرادی است که جهت انجام فعالیت های اختیاری و ضروری به فضاهای مختلف شهری مراجعه نموده اند.

- بوردن^۲ (۲۰۱۲) در تحقیقی با عنوان معنی محیط ساخته شده در معماری زمینه گرا در کشور هندوستان ارتباط بین محیط و سازمان دهی محیط مصنوع را بررسی کرده است. نتایج وی نشان می‌دهد مردم در مجموعه های کالبدی متفاوت، رفتاری متناسب را که توسط فرهنگ تعریف نشده بروز می‌دهند. باید این زبان را فهمید و آن را مبنایی برای ایجاد اشکال در محیط شهری قرار داد.

1-Tang and Tareef

2-Borden



مبانی نظری

ارتباط فرهنگ و هویت در معماری

معماری هر جامعه به عنوان یک پدیده اجتماعی در تعاملی نزدیک با فرهنگ آن است. همان گونه که فرهنگ در شکل گیری معماری یک جامعه نقش عمده ای ایفا می کند، معماری نیز همواره در مقام فرهنگ سازی حضور داشته و این ارتباط را کامل می کند و آینه ای است از اندیشه های انسان در رابطه با فضا، زیبایی شناسی و فرهنگ (علی محمدی و عبداللهی، ۱۳۹۷: ۵۰). هر بنایی به عنوان جزئی از فرهنگ معماری وظیفه عینیت بخشیدن یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهری خود دارد که نمودی است برای سنجش فرهنگ (ستوده و کریمی، ۱۳۹۵: ۶). اگر حضور معماری در زندگی و مسائل یک عصر کمرنگ شود، این فقر حضور به زبان و فرهنگ هم منتقل می شود، زیرا مردم هر عصر به زبان خاصی که در آن دوره صحبت می کنند معماری آن عصر را می فهمند (مکملی، ۱۳۹۰: ۱۳). درک فضا در هر فرهنگ با فرهنگ دیگر متفاوت است. تغییرات فرهنگی مستقیماً بر معماری و شکل بناهای یک منطقه تأثیر می گذارند. گاهی این تغییرات پیوسته و در زمان طولانی شکل می گیرند و گاهی سرعت زیاد تغییرات اجتماعی سبب یک رویداد خاص تاریخی یا فرهنگی موجب شکاف هایی می شود که به چشم می آید. نوع زندگی افراد در یک جامعه، خود به خود محیط زندگی آن ها را هم تحت تأثیر می گذارد و بالعکس. معماری به خودی خود یک ساختمان نیست، هرچند به خودی خود، یکی از مظاهر نمایان تمدن است. اما یک ساختمان به خودی خود در عین حال، یک پدیده ملی و فرهنگی نیز است. اگر معماری را به عنوان یک اثر هنری نگاه کنیم و انسان را خالق اثر هنری در نظر بگیریم از آن جهت که انسان مدعی است که می تواند حقیقت هستی را کشف کند و آن را در اثر هنری متجلی سازد و به بیان آورد و اثر هنری فهم انسان و تجلی حقیقت کشف شده از سوی اوست، می توان به بحث اثر فرهنگ در معماری پرداخت (پویا و همکاران، ۱۳۹۴: ۴). هویت و معماری دو مقوله جدایی ناپذیر و تأثیرگذار و متأثر از یکدیگرند. مباحث مرتبط با هویت بیشتر در مباحث جامعه شناسی مورد بررسی قرار می گیرد. در عرصه معماری بحث از هویت، تقلید از آثار گذشته را به ذهن متبادر می کند در حالی که هویت با تقلید از گذشته متفاوت است چرا که در بهره گیری از آثار گذشته اگر اشکال و فرم ها به طور خلاصه و جسد گذشته تکرار شوند نامی جز واپسگرایی را نخواهند یافت. مفهوم هویت معماری ارتباط تنگاتنگی با اصالت معماری دارد (همکاران، ۱۳۹۶: ۵۹).

معماری مدرنیسم اروپایی

معماری مدرن در اروپا با ظهور مکتبی به نام نهضت هنر نو شروع شد. این نهضت نام سبکی در اروپا بود که برای طراحی پارچه یا طراحی مبلمان مورد استفاده بود. این سبک در سال ۱۸۹۰ در معماری آغاز و تا ۱۹۱۰ ادامه داشت. پیروان این مکتب در اروپا برای اولین بار بینش جدیدی را در معماری پایه ریزی کردند که به جای الهام از گذشته توجه به آینده، تکنولوژی و

ابداعات جدید داشت. آنها از فولاد، چدن و بتن استفاده می کردند ولی در نما برای تزئینات از فرم های طبیعی و گیاهی استفاده می کردند. اصول فکری این سبک را می توان در انتقاد شدید از مکتب های تقلیدی، جدایی از گذشته، ابداع فرم های جدید، هنر مناسب زمان، استفاده از تولیدات مدرن (فلز) برای اسکلت و تزئینات، استفاده از فرم های طبیعی اشاره کرد. از معماران مهم این سبک می توان به پیتر بهرنس^۱ در آلمان، آگوست پره^۲ در فرانسه، آدولف لوس^۳ در اتریش اشاره کرد که از پیشگامان معماری مدرن در اروپا بودند. آگوست پره برای اولین بار از بتن مصالح مدرن استفاده کرد (باسیتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۷).

معماری دوره پهلوی

ساختار قدرت جدید در این دوره به موفقیتی شایان توجه دست یافت و با ارائه یک معماری برونگرایی شهری به سرعت فرهنگ برونگرایی را پیاده کرد. حکومت با استفاده از شهرسازی نخواست و در یک کمیت فراوان و در واقع با ارائه مصداق های شهرسازی توانست برونگرایی، برگرفتن حجاب، نمایش بی نقاب و عرض اندام را تعریف کند و دیوارهای کج و معوج و ناهنجار گذشته زمینه مناسبی را برای جانشینی ساختمان هایی که با عظمت و پر جلوه تعریف می شدند، فراهم سازد. خیابان های عریض و کوچه های صاف همچون آن که خود را در معرض نمایش می گذاشت به معماری گذشته فرصت عرض اندام داد. در این دوره پنجره ها یکی پس از دیگری به روی کوچه ها و خیابان های جدید الاحداث گشوده می شوند. دیوارهای حیاط ها کوتاه تر و شکل تر می شوند. خیابان های پهن و کوچه های نخواست، میدان دید کافی در اختیار بینندگان رهگذر می گذارند و صاحبان بناها ناگزیرند به حکم ضرورت و آبرو در عرضه آنچه که به نمایش می گذارند سلیقه بیشتری به خرج بدهند و سلیقه دیگران را نیز در نظر بگیرند. نحوه این تأثیرپذیری یا سرعت تحول در هر دوره متمایز و بسته به شرایط متفاوت بوده است. در دوره ی پهلوی اول، آمیختگی سبکی حاصل از تلفیق و یا تأثیرپذیری، خود منجر به نوعی معماری سبک شاخص می شود. شاخصه های حاصل از تأثیرپذیری معماری غرب و مکتب مدرن در دوره ی پهلوی علاوه بر اینکه حرکتی شتابان و عجولانه دارد، از تنوع و تعدد سبکی برخوردار است. ضمن اینکه این تأثیر و تحول کاملاً مشهود و آغاز گسسته شدن کامل از گذشته است (کیانی، ۱۳۹۶: ۱۳۲).

1 Peter Behrens

2-Auguste Perret

3- Adolf Loos

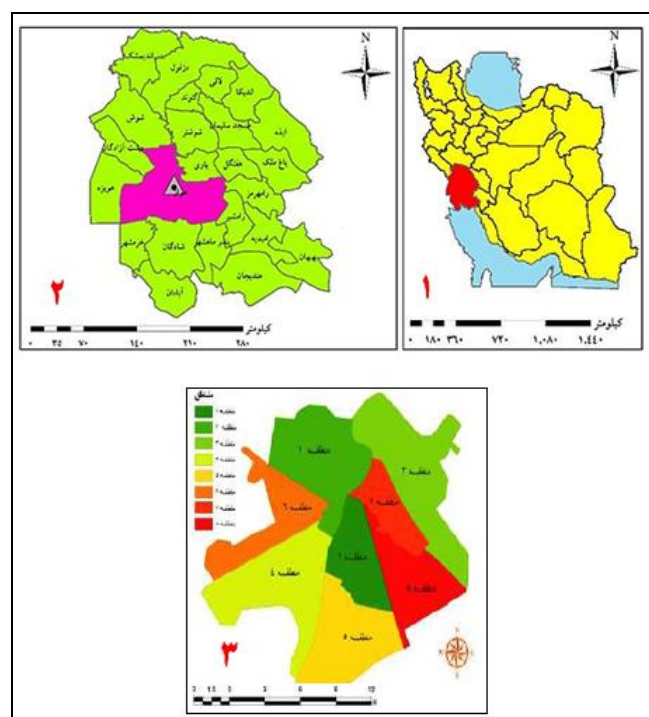
مواد و روش تحقیق

روش شناسی این پژوهش، از نظر هدف کاربردی است و بر اساس روش تحقیق پیمایشی با تاکید بر پرسشنامه استفاده شده است. روش گردآوری داده ها به صورت کتابخانه ای و پیمایش بوده است که هر دو به طور مستقل مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش ابتدا به روش کتابخانه‌ای به تبیین مسئله پرداخته و سوابقی از تحقیقات و روش‌های انجام تحقیقات، در نقاط مختلف ایران و جهان بررسی شده است. بخش تحلیلی پژوهش به روش پیمایشی به صورت ابزار پرسشنامه از دیدگاه ۴۱ نفر از کارشناسان ذیفن و متخصص با استفاده از روش نمونه گیری گلوله برفی استفاده شده است. همچنین جهت تعیین اعتبار پرسشنامه، با بهره گیری از روش دلفی از نظر تعدادی از متخصصان و اساتید دانشگاه استفاده شده و با کسب نظرات افراد یاد شده، اصلاحات لازم در سوالات پرسشنامه به عمل آمد و بدین ترتیب اطمینان حاصل گردید که پرسشنامه همان متغیرهای مورد نظر پژوهش را می‌سنجند. برای محاسبه پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده و مقدار آن حدود ۰/۷ برآورد گردیده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع آوری شده از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. اطلاعات جمع‌آوری شده از پرسشنامه در نرم افزار SPSS جهت پردازش و تحلیل، آماده سازی شده به وسیله یک پرسش نامه چند معیاری بر مبنای طیف ۵ درجه ای لیکرت از نمونه آماری خواسته شد که به ارزشیابی شاخص و مولفه ها و میزان رضایت آن‌ها براساس ارزش های خیلی زیاد تا خیلی کم پردازند. سپس به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف و جهت بررسی وضعیت متغیرهای پژوهش از آزمون علامت، استفاده شده است.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهر اهواز، مرکز شهرستان اهواز و استان خوزستان است که از نظر جغرافیایی بین ۲۰ درجه و ۵۵ دقیقه طول شرقی تا ۹۵ درجه و ۱۹ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است. این شهر، با مساحت ۴۴۹ کیلومتر مربع، دومین شهر وسیع ایران پس از تهران است. شهر اهواز از شمال به شهرهای شوشتر، دزفول و شوش از شرق به شهرستان رامهرمز از غرب به شهر حمیدیه و دشت آزادگان و از جنوب به شهرهای شادگان، بندر ماهشهر، خرمشهر و آبادان محدود می‌گردد. وسعت آن در محدوده قانونی شهری ۴۴۴ کیلومتر مربع است. این شهر دارای ۸ منطقه شهرداری می‌باشد (شکل ۱). بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ جمعیت این کلانشهر ۱۳۰۳۰۰۰ نفر برآورد شده است. در ارتباط با ویژگی سه اثر مورد ارزیابی در این پژوهش به اختصار می‌توان به مواردی اشاره کرد. از جمله؛ ساختمان دانشکده سه‌گوش ساختمان سه‌گوش اهواز توسط آندره گدار معمار فرانسوی در سال ۱۳۰۸ ساخته شد. معماری با شکوه این ساختمان الهام گرفته از دوره ساسانی است که همراه با آجرکاری ها و کاشی کاری های دوره اسلامی ساخته شده است. علاوه بر شکل مثلثی این ساختمان، معماری مدرن و شکل هلالی بلند پنجره ها و آجرکاری، کاشی کاری های فیروزه ای از جمله اصلی ترین مشخصه های نمای بیرونی این بنا است که الهام گرفته از معماری سنتی کشورمان است. موقعیت این ساختمان در حال حاضر جنب

میدان مولوی نرسیده به پل سلمان فارسی و در حوزه منطقه ۲ شهری اهواز قرار گرفته است (شکل ۲). ساختمان سیلوی اهواز در سال ۱۳۱۵ شمسی طراحی و احداث ساختمان آن در سال ۱۳۱۷ شمسی آغاز شد و عملیات اجرایی آن در سال ۱۳۱۹ به پایان رسید. مصالح این سازه از دیوارهای پیش ساخته بتنی مسلح ساخته شده و جنس درب‌ها و پنجره نیز چوبی است؛ ضمن این که چندین ساختمان مستطیل شکل اداری و صنعتی به صورت متصل و یا جدا از بنا در محوطه سیلو قرار دارد و جزو مجموعه سیلوی بزرگ اهواز محسوب می‌شوند. سیلوی اهواز با ظرفیت ۳۲۰۰ تن دومین سیلوی کشور بعد از سیلوی تهران محسوب می‌شود. موقعیت این ساختمان در حال حاضر در کنار ساحل غربی رودخانه کارون و در حوزه منطقه ۲ شهری اهواز قرار گرفته است (شکل ۳). ساخت ساختمان هتل قو اهواز از اوایل دوره قاجار آغاز شد اما کار بنای آن اوایل دوره پهلوی اول به پایان رسید. کف محوطه این بنا آجر فرش بوده است. دیوارهای عمارت از آجر ساخته شده و نقش برجسته های بسیار زیبا و شکیل در آن دیده می‌شود. حوض آب با کاشی کاری های فیروزه ای، زیردرختان بلند کهنسال در کنار آجر فرش کف عمارت، نمایی منحصر به فرد بوجود می آورده است. از این ویژگیها که بگذریم گچ بری های هنرمندانه روی دیوارها و نمای متشکل از چوب و سیمان و سنگ در کنار مجسمه آناهیتا یکی از خاص ترین چشم اندازها را ایجاد کرده است. متأسفانه این بنا در حال حاضر مخروبه شده است (تقی زاده، ۱۳۸۴: ۱۵۱). موقعیت این بنا در حال حاضر در خیابان سلمان فارسی، خیابان خسروی و در حوزه منطقه یک شهری اهواز قرار گرفته است (شکل ۴).



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی شهرا اهواز

مآخذ نگارنده، ۱۳۹۹



شکل ۲: ساختمان دانشکده سه گوش

مآخذ نگارنده، ۱۳۹۹



شکل ۳: ساختمان سیلو

مآخذ نگارنده، ۱۳۹۹



شکل ۴: ساختمان هتل قو

مآخذ نگارنده، ۱۳۹۹

بحث و یافته‌های پژوهش

یافته‌های توصیفی

براساس جدول ۱، یافته‌های توصیفی به شرح ذیل می‌باشد. ۶۳/۴ درصد پاسخ دهندگان مرد و ۳۶/۶ درصد زن می‌باشند. ۶۳/۴ درصد آنها متأهل و ۲۴/۴ مجرد و ۱۲/۲ درصد بی‌پاسخ بوده‌اند. از نظر وضعیت سنی پاسخ دهندگان، ۷/۳ درصد کمتر از ۳۰ سال، ۴۱/۵ درصد بین ۳۱ تا ۴۳ سال، ۴۳/۹ درصد بین ۴۴ تا ۵۶ سال و ۷/۳ درصد بالای ۵۷ سال بوده‌اند. به لحاظ تحصیلات ۱۲/۲ درصد آنها در مقطع کارشناسی، ۹/۸ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد، ۳۹ درصد دانشجوی دکتری و ۳۹ درصد آنها دکتری تخصصی داشته‌اند. از نظر موقعیت شغلی ۷۵/۶ درصد پاسخ دهندگان عضو هیئت علمی دانشگاه، ۴/۹ درصد دانشجو، ۴/۹ درصد کارمند دولت، ۱۴/۶ درصد شغل آزاد داشته‌اند. همچنین ۱۰۰ درصد رشته تحصیلی جامعه‌آمار، معماری بوده است.

جدول ۱- فراوانی پاسخ به سوالات توصیفی

گزینه	وضعیت تاهل		جنسیت		وضعیت سنی		سطح تحصیلات		وضعیت شغلی	
	متاهل	متاهل	مرد	زن	۱-۲۱	۲۱-۴۳	۴۳-۵۶	۵۷+	کارشناسی	دانشجوی دکتری
فراوانی	۲۶	۱۰	۵	۲۶	۱۵	۳	۱۷	۱۸	۴	۱۶

مآخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

در این پژوهش سعی شده است میزان ارتباط عوامل فرهنگی در معماری سه بنای دانشکده سه گوش و ساختمان سیلو و هتل قو که در دوره پهلوی در شهر اهواز ساخته شده‌اند با معماری مدرنیسم اروپایی مورد ارزیابی قرار گیرد. برای پاسخ به سوالات تحقیق با توجه به بررسی و مطالعات انجام شده و جمع‌بندی نظرات کارشناسان و متخصصین ذیفن (اعضای هیئت علمی گروه معماری، دانشجویان دکتری معماری و مهندسی معماری) از دو شاخص و برای هر شاخص ۶ متغیر استفاده گردید. همچنین معیار انتخاب شاخص‌ها و متغیرها از منظر عینی و قابل لمس بوده است (جدول ۲).



جدول ۲- شاخص‌ها و متغیرهای مورد ارزیابی در پژوهش

شاخص	متغیر
نما	۱. میزان ارتباط استفاده از مواد و مصالح بومی در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی. ۲. میزان ارتباط استفاده از کاشی و آجرچینی جهت تزئین بنا در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی. ۳. میزان ارتباط رواق یا ایوان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی. ۴. میزان ارتباط درونگرایی و استفاده از پنجره در سمت رو به حیاط در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی. ۵. میزان ارتباط استفاده از تزئینات سنتی از جمله استفاده از گره چینی، مقرنس و شمشه... بر روی بدنه نما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی. ۶. ارتباط نما بناهای خشتی و ساده یا بعضاً بی‌نشان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی
	۱. میزان ارتباط از نظر تمهیدات اقلیمی جهت استفاده از فضاها در فصول سرما و گرما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی. ۲. میزان ارتباط از نظر استفاده از پلان سنتی و بومی در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی. ۳. میزان ارتباط از نظر استفاده از ورودی شاخص و دعوت‌کنندگی به سبک معماری سنتی عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی. ۴. میزان ارتباط از نظر پیش‌ورودی و تقسیم بنا در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی. ۵. میزان ارتباط از نظر جهت‌گیری اقلیمی ساختمان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی. ۶. میزان ارتباط از نظر درون‌گرایی در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی

مآخذ: نگارنده، ۱۳۹۹

یافته‌های استنباطی

ابتدا به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد و سپس به منظور بررسی وضعیت متغیرهای پژوهش از آزمون علامت، بهره گرفته شده است. به منظور بررسی نرمال بودن توزیع داده‌های و مؤلفه‌های آنها از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. فرض صفر به این صورت انتخاب شده است که داده‌ها نرمال باشند. سطح آزمون ۵ درصد در نظر گرفته شده است. نتایج تحلیل آزمون در جداول شماره ۳ و ۴ نشان داده شده است.

جدول ۳- نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای متغیر نما در مکان‌های مختلف

نام اثر	آماره کلموگروف اسمیرنوف Z	سطح معناداری
بنای دانشکده سه گوش	۰/۳۹۰	۰/۰۰۰۱
ساختمان سیلو	۰/۳۱۷	۰/۰۰۰۱
هتل قو	۰/۳۰۸	۰/۰۰۰۱

مآخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

جدول ۴- نتایج آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای متغیر پلان در مکان‌های مختلف

نام اثر	آماره کلموگروف اسمیرنوف Z	سطح معناداری
بنای دانشکده سه گوش	۰/۳۴۳	۰/۰۰۰۱
ساختمان سیلو	۰/۳۰۵	۰/۰۰۰۱
هتل قو	۰/۳۸۱	۰/۰۰۰۱

مآخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول ۳ و ۴، مشاهده می‌شود که مقدار سطح معناداری آزمون در تمامی موارد کمتر از ۰/۰۵ شده است. بنابراین فرض نرمال بودن داده‌ها رد شده و جهت آزمون فرضیه‌ها از آزمون‌های ناپارامتریک استفاده شده است. به منظور بررسی میزان رابطه شاخص‌های نما و پلان سه بنای مورد مطالعه در دوره پهلوی با معماری مدرنیسم از آزمون ناپارامتری علامت یا نشانه استفاده شده است که نتایج آن در جداول ذیل آورده شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون علامت جهت بررسی وضعیت شاخص نما در هتل قو

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره Z	P
میزان ارتباط استفاده از مواد و مصالح بومی در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۸۳	۰/۶۲	۱/۶۹۸	۰/۰۹۰
میزان ارتباط نمای بناها خشتی و ساده یا بعضاً بی‌نشان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۲۹	۰/۹۵	۲/۲۲۹	۰/۰۲۶
میزان ارتباط رواق یا ایوان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۷۱	۱/۵۰	۲/۱۶۷	۰/۰۳۰
میزان ارتباط درونگرایی و استفاده از پنجره در سمت رو به حیاط در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۷۸	۱/۴۵	۲/۳۶۶	۰/۰۱۸
میزان ارتباط استفاده از تزئینات سنتی از جمله استفاده از گره چینی، مقرنس و شمشه... بر روی بدنه نما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۲۲	۱/۱۵	۲/۲۲۹	۰/۰۲۶
میزان ارتباط استفاده از کاشی و آجرچینی جهت تزئین بنا در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۷۱	۰/۸۱	۲/۲۴۴	۰/۰۲۵
میزان ارتباط شاخص نما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۲۵	۰/۹۹	۲/۰۵۵	۰/۰۴۰

مآخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

با توجه به داده‌های جدول ۵، مشاهده می‌شود که میانگین میزان ارتباط شاخص نما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی در هتل قو برابر ۳/۲۵ و بیشتر از متوسط شده است از سویی دیگر مقدار سطح معناداری آزمون کمتر از ۰/۰۵ شده است

بنابراین آزمون معنادار بوده و می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از شاخص نما در معماری عصر پهلوی نسبت به معماری عصر مدرنیسم اروپایی در هتل قو بیشتر به کار برده شده است. بیشترین میزان ارتباط در درونگرایی و استفاده از پنجره در سمت رو به حیاط بوده است.

جدول ۶- تایید آزمون علامت جهت بررسی وضعیت شاخص پلان در هتل قو

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره Z	P
میزان ارتباط از نظر درون گرایی در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۲۷	۱/۰۴	۱/۵۶۹	۰/۱۱۷
میزان ارتباط از نظر استفاده از پلان سستی و بومی در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۴۱	۰/۸۹	۲/۷۲۲	۰/۰۰۶
میزان ارتباط از نظر استفاده از ورودی شاخص و دعوت کنندگی به سبک معماری سستی عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۹۵	۰/۶۳	۰/۵۰۰	۰/۶۱۷
میزان ارتباط از نظر پیش ورودی و تقسیم بنا در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۴۴	۰/۸۶	۲/۹۲۰	۰/۰۰۴
میزان ارتباط از نظر جهت گیری اقلیمی ساختمان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۷۳	۰/۶۷	۲/۳۰۹	۰/۰۲۱
میزان ارتباط از نظر تمهیدات اقلیمی جهت استفاده از فضاها در فصول سرما و گرما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۷۳	۰/۷۰	۲/۲۹۶	۰/۰۲۲
میزان ارتباط شاخص پلان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۰۸	۰/۶۹	۰/۸۴۶	۰/۳۹۷

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

با توجه به داده‌های جدول ۶، مشاهده می‌شود که میانگین میزان ارتباط شاخص پلان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی در هتل قو برابر ۳/۰۸ و نزدیک متوسط شده است از سویی دیگر مقدار سطح معناداری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ شده است بنابراین آزمون معنادار نبوده و می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از شاخص پلان در معماری عصر پهلوی نسبت به معماری عصر مدرنیسم اروپایی در هتل قو به یک اندازه متوسط به کار برده شده است.

جدول ۷- نتایج آزمون علامت جهت بررسی وضعیت شاخص نما در ساختمان سیلو

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره Z	P
میزان ارتباط استفاده از مواد و مصالح بومی در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۴۳	۰/۹۳	۳/۰۰۵	۰/۰۰۳
میزان ارتباط نمای بناها خشتی و ساده یا بعضاً بی‌نشان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۵۵	۰/۸۴	۳/۵۹۲	۰/۰۰۰
میزان ارتباط رواق یا ایوان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۰۵	۰/۶۳	۰/۴۸۶	۰/۶۲۷
میزان ارتباط درونگرایی و استفاده از پنجره در سمت رو به حیاط در عصر پهلوی با مدرنیسم اروپایی	۳/۵۹	۰/۸۱	۴/۲۳۴	۰/۰۰۰
میزان ارتباط استفاده از تزئینات سنتی از جمله استفاده از گره چینی، مقرنس و شمشه....بر روی بدنه نما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۴/۰۵	۱/۲۷	۳/۱۳۳	۰/۰۰۲
میزان ارتباط استفاده از کاشی و آجرچینی جهت تزئین بنا در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۴/۰۳	۱/۲۴	۳/۲۳۳	۰/۰۰۱
میزان ارتباط شاخص نما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۶۰	۰/۸۶	۳/۴۲۹	۰/۰۰۰

مآخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

با توجه به داده‌های جدول ۷، مشاهده می‌شود که میانگین میزان ارتباط شاخص نما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی در ساختمان سیلو ۳/۶۰ و بیشتر از متوسط شده است همچنین مقدار سطح معناداری آزمون علامت استفاده شده کمتر از ۰/۰۵ شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از شاخص نما در معماری عصر پهلوی نسبت به معماری عصر مدرنیسم اروپایی در ساختمان سیلو بیشتر به کار برده شده است. بیشترین ارتباط در تفاده از تزئینات سنتی از جمله استفاده از گره چینی، مقرنس و شمشه....بر روی بدنه نما بوده است.

جدول ۸- نتایج آزمون علامت جهت بررسی وضعیت شاخص پلان در ساختمان سیلو

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره Z	P
میزان ارتباط از نظر درون گرایی در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۴۹	۰/۷۲	۳/۷۲۶	۰/۰۰۰
میزان ارتباط از نظر استفاده از پلان سنتی و بومی در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۵۴	۰/۸۲	۳/۵۹۲	۰/۰۰۰



۰/۰۰۰	۴/۲۳۴	۰/۷۱	۳/۵۹	میزان ارتباط از نظر استفاده از ورودی شاخص و دعوت کنندگی به سبک معماری سنتی عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی
۰/۰۰۰۰	۳/۹۶۹	۰/۷۵	۳/۵۶	میزان ارتباط از نظر پیش ورودی و تقسیم بنا در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی
۰/۰۵۸	۱/۸۹۷	۰/۴۸	۲/۸۵	میزان ارتباط از نظر جهت گیری اقلیمی ساختمان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی
۰/۲۴۸	۱/۱۵۵	۰/۵۵	۲/۹۰	میزان ارتباط از نظر تمهیدات اقلیمی جهت استفاده از فضاها در فصول سرما و گرما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی
۰/۰۰۴	۲/۹۱۵	۰/۶۰	۳/۳۲	میزان ارتباط شاخص پلان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

با توجه به داده‌های جدول ۸، مشاهده می‌شود که میانگین میزان ارتباط شاخص پلان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی در ساختمان سیلو ۳/۳۲ و بیشتر از متوسط شده است همچنین مقدار سطح معناداری آزمون علامت استفاده شده کمتر از ۰/۰۵ شده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از شاخص پلان در معماری عصر پهلوی نسبت به معماری عصر مدرنیسم اروپایی در ساختمان سیلو بیشتر به کار برده شده است.

جدول ۹- نتایج آزمون علامت جهت بررسی وضعیت شاخص نما در بنای دانشکده سه گوش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره Z	P
میزان ارتباط استفاده از مواد و مصالح بومی در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۷۳	۰/۷۱	۲/۲۹۹	۰/۰۲۲
میزان ارتباط نمای بناها خشتی و ساده یا بعضاً بی‌نشان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۸۵	۰/۵۳	۱/۷۳۲	۰/۰۸۳
میزان ارتباط رواق یا ایوان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۸۰	۰/۵۱	۲/۳۰۹	۰/۰۲۱
میزان ارتباط درونگرایی و استفاده از پنجره در سمت رو به حیاط در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۷۸	۰/۶۹	۱/۹۶۸	۰/۰۴۹
میزان ارتباط استفاده از تزئینات سنتی از جمله استفاده از گره چینی، مقرنس و شمشه.... بر روی بدنه نما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۶۰	۰/۷۴	۲/۹۶۱	۰/۰۰۳
میزان ارتباط استفاده از کاشی و آجرچینی جهت تزئین بنا در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۰۵	۰/۵۹	۵/۲۹۱	۰/۰۰۰
میزان ارتباط شاخص نما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۶۳	۰/۵۵	۴/۵۴۸	۰/۰۰۰

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

با توجه به داده‌های جدول ۹، مشاهده می‌شود که میانگین میزان ارتباط شاخص نما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی در ساختمان سه گوش برابر $2/63$ با انحراف معیار $0/55$ شده است. از سوی دیگر مقدار آماره آزمون $4/548$ و سطح معناداری آزمون کمتر از $0/05$ شده است. بنابراین با توجه به اینکه میانگین ارتباط شاخص نما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی در ساختمان سه گوش کمتر از متوسط شده است. می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از شاخص نما در معماری عصر پهلوی نسبت به معماری عصر مدرنیسم اروپایی در ساختمان سه گوش کمتر به کار برده شده است.

جدول ۱۰- نتایج آزمون علامت جهت بررسی وضعیت شاخص پلان بنای دانشکده سه گوش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره Z	P
میزان ارتباط از نظر درون گرایی در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	2/75	0/70	2/15	0/031
میزان ارتباط از نظر استفاده از پلان سنتی و بومی در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	2/65	0/66	2/889	0/004
میزان ارتباط از نظر استفاده از ورودی شاخص و دعوت کنندگی به سبک معماری سنتی عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	2/75	0/49	2/887	0/004
میزان ارتباط از نظر پیش ورودی و تقسیم بنا در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	2/75	0/63	2/352	0/019
میزان ارتباط از نظر جهت گیری اقلیمی ساختمان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	2/23	0/57	5/089	0/000
میزان ارتباط از نظر تمهیدات اقلیمی جهت استفاده از فضاها در فصول سرما و گرما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	2/23	0/62	4/958	0/000
میزان ارتباط شاخص پلان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	2/55	0/46	4/894	0/000

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

با توجه به داده‌های جدول ۱۰، مشاهده می‌شود که میانگین میزان ارتباط شاخص پلان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی در ساختمان سه گوش برابر $2/55$ با انحراف معیار $0/46$ شده است. از سوی دیگر مقدار آماره آزمون $4/894$ و سطح معناداری آزمون کمتر از $0/05$ شده است. بنابراین با توجه به اینکه میانگین ارتباط شاخص پلان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی در ساختمان سه گوش کمتر از متوسط شده است. می‌توان نتیجه گرفت که استفاده از شاخص نما در معماری عصر پهلوی نسبت به معماری عصر مدرنیسم اروپایی در ساختمان سه گوش کمتر به کار برده شده است. در ادامه یافته‌ها برای پاسخ به فرضیه یک پژوهش؛ به نظر می‌رسد شاخص نما در سه بنای مورد مطالعه به عنوان یک عامل فرهنگی

و هویتی در معماری عصر پهلوی با معماری مدرنیسم اروپایی ارتباطی ندارد. به منظور پاسخ به فرضیه فوق از آزمون علامت استفاده شده است و نتایج آن در جدول ۱۱، آورده شده است.

جدول ۱۱- نتایج آزمون علامت جهت بررسی وضعیت شاخص نما در سه بنای مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره Z	P
میزان ارتباط شاخص نما در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۳/۰۱	۰/۵۱	۱/۷۳۹	۰/۰۸۲

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

با توجه به داده‌های جدول ۱۱، مشاهده می‌شود که میانگین میزان ارتباط شاخص نما در سه بنای مورد مطالعه برابر ۳/۰۱ و انحراف معیار برابر ۰/۵۱ شده است. از سوی دیگر مقدار آزمون برابر ۱/۷۳۹ و سطح معناداری آزمون برابر ۰/۰۸۲ شده است. حال با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ شده است می‌توان نتیجه گرفت که آزمون معنادار نبوده و استفاده از شاخص نما در معماری عصر پهلوی نسبت به معماری عصر مدرنیسم اروپایی یک اندازه است. بنابراین فرضیه یک پژوهش "رد" می‌گردد. برای پاسخ به فرضیه دو پژوهش؛ به نظر می‌رسد شاخص پلان در سه بنای مورد مطالعه به عنوان یک عامل فرهنگی و هویتی در معماری عصر پهلوی با معماری مدرنیسم اروپایی ارتباط دارد. با استفاده از آزمون علامت و براساس جدول ۱۲، نتایج آن نشان داده شده است.

جدول ۱۲- نتایج آزمون علامت جهت بررسی وضعیت شاخص پلان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره Z	P
میزان ارتباط شاخص پلان در عصر پهلوی با عصر مدرنیسم اروپایی	۲/۸۹	۰/۴۲	۱/۵۶۲	۰/۱۱۸

مأخذ: محاسبات نگارنده، ۱۳۹۹

با توجه به نتایج آزمون علامت در جدول ۱۲، مشاهده می‌شود که میانگین میزان ارتباط شاخص پلان در سه بنای مورد مطالعه برابر ۲/۸۹ و انحراف معیار برابر ۰/۴۲ شده است. از سوی دیگر مقدار آزمون برابر ۱/۵۶۲ و سطح معناداری آزمون برابر ۰/۱۱۸ شده است. حال با توجه به اینکه مقدار سطح معناداری آزمون بیشتر از ۰/۰۵ شده است می‌توان نتیجه گرفت که آزمون معنادار نبوده و استفاده از شاخص پلان در معماری عصر پهلوی نسبت به معماری عصر مدرنیسم اروپایی یک اندازه است. بنابراین فرضیه دو پژوهش "تایید" می‌گردد.

نتیجه‌گیری

زمینه‌گرایی به عنوان عاملی واسطه بین معماری و زمینه، که می‌تواند دو مفهوم متضاد را با هم آشتی دهد کاربرد دارد. همچنین معماری یک مقوله‌ای فرهنگی است و بی‌ارتباط با گذشته نیست. آنچه یک معماری را برای ساکنین بیگانه می‌کند، خدشه دار شدن هویت فرهنگی و بومی آن است که طی سالیان متمادی شکل گرفته و به واسطه آن، مردم آن را متعلق به خود

می‌دانند. تأثیرات فرهنگی مستقیماً بر معماری و هویت بناهای یک منطقه تأثیر می‌گذارد. اهواز شهری است که در دوره پهلوی اول ساختارهای اصلی‌اش شکل گرفته است. این معماری طی دو جریان درونی و بیرونی، نمودی از نقطه‌گذار فرهنگی جامعه ایرانی در دوره‌ی پهلوی است. این شهر از سویی به معماری بومی نظر دارد و از سویی دیگر وارد جریان مدرنیته شده است. تاریخ پهلوی نقطه‌گذاری در تاریخ معاصر ایران است که تلاش داشته به شیوه‌های متفاوت شرایط سنتی را به شرایط مدرنی که در مشاهده با جهان پیشرفته معاصر مشاهده می‌کرد تغییر دهد. مقایسه نتایج ارزیابی در پژوهش حاضر بیانگر این است که پارامترهای فرهنگی و هویتی همیشه در روند ساخت و معماری بناها به‌ویژه بناهای تاریخی تأثیرگذار است. با توجه به مشکلاتی که در حال حاضر در معماری شاهد هستیم تشخیص و تحلیل ویژگی‌های معماری سنتی هر منطقه و تأثیرات آن، می‌تواند اطلاعات مفیدی را در طراحی ما داشته باشد. در تاریخ ایران همواره معماری ایرانی به صرفه جویی در زمان، سرعت در ساخت و نتیجتاً مصالح بوم آورد توجه داشته است که این مصالح را جهت ایجاد شرایط مناسب زندگی با راه کارهای تجربی خود به کار گرفته‌اند. این موارد ذکر شده با آنچه در معماری معاصر دیده می‌شود، دارای تناقض و فاصله می‌باشد و سبک خاصی را در دوران معاصر به‌خصوص عصر حاضر نمی‌توان به آن‌ها اختصاص داد. با توجه به اینکه در معماری موارد مربوط به اقلیم، طبیعت و به‌کارگیری عوامل فرهنگی و هویتی جهت به خدمت گرفتن طبیعت و تعامل آن با معماری مورد بررسی قرار می‌گیرد از این رو بررسی این مولفه‌ها که در معماری سنتی ایران تأثیرگذار بوده‌اند بسیار حائز اهمیت است. هدف اصلی تحقیق ارزیابی عوامل فرهنگی (نما و پلان) در شهرسازی در شهراواز و به طور متمرکز بر روی سه بنا از بناهای مهم ساخته شده دوره پهلوی از جمله بنای دانشکده سه گوش، ساختمان سیلو و هتل قو با معماری عصر مدرنیسم اروپایی می‌باشد. تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون‌های کلموگروف - اسمیرنوف (KS) و علامت (Sing Test) انجام شده است. همچنین فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش بدین صورت است که؛ به نظر می‌رسد شاخص نما در سه بنای مورد مطالعه به عنوان یک عامل فرهنگی و هویتی در معماری عصر پهلوی با معماری مدرنیسم اروپایی ارتباطی ندارد. در فرضیه دوم؛ به نظر می‌رسد شاخص پلان در سه بنای مورد مطالعه به عنوان یک عامل فرهنگی و هویتی در معماری عصر پهلوی با معماری مدرنیسم اروپایی ارتباط دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، بر اساس آزمون (KS) مقدار سطح معناداری آزمون در تمامی موارد کمتر از ۰/۰۵ شده است. بنابراین فرض نرمال بودن داده‌ها رد شده است. همچنین براساس آزمون علامت میزان ارتباط شاخص نما با مقدار ۱/۷۳۹ و سطح معناداری ۰/۰۸۲ و شاخص پلان با مقدار ۱/۵۶۲ و سطح معناداری ۰/۱۱۸ در سه بنای مورد مطالعه معنادار نبوده و استفاده از هر دو شاخص (نما و پلان) در معماری دوره پهلوی نسبت به معماری مدرنیسم اروپایی یک اندازه بوده است. در حقیقت این پژوهش نشانگر این موضوع است که قابلیت تأثیرگذاری هر یک از پارامترهای فرهنگی در ساخت بناهای انتخابی پژوهش با توجه به ظرفیت و مکان جغرافیایی مورد مطالعه، متغیر می‌باشند. از سویی دیگر در ارزیابی شاخص‌ها به نسبت پژوهش‌های پیشین که کمتر مورد توجه واقع شده، این پژوهش بدان‌ها به دید عمیق تری نگاه کرده است.



منابع و مآخذ

۱. اکبری، علی اکبر، بذرافکن، کاوه، تهرانی، فرهاد، و سلطانزاده، حسین (۱۳۹۶). تبیین روش‌های طراحی زمینه‌گرایی و منطقه‌گرایی در معماری ایران (نمونه مطالعاتی: اثرهای شاخص با دوره‌های زمانی متفاوت از معماری شهر تهران). فصل‌نامه مدیریت شهری، ۴۸، ۳۲۷-۳۴۲.
۲. بابایی، سعید، و خاک‌زند، مهدی (۱۳۹۷). زمینه‌گرایی در آثار معماران غیر ایرانی در دوره پهلوی اول (مدرسه البرز و ایرانشهر). دوفصل‌نامه مطالعات معماری ایرانی، ۱۴، ۱۹۰-۱۷۱.
۳. بایستی، شهرام، عامری، مهدی، و لشگری، ام لیلیا (۱۳۹۷). رابطه سنت و مدرنیسم در شکل‌گیری بافت شهرها با تاکید بر ابعاد فرهنگی. فصل‌نامه مدیریت شهری، ۵۱، ۵۵-۷۳.
۴. بهمنی، المیرا، گودرزی، سروش، محمد مهدی و زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۹۵). بررسی شناخت عوامل زمینه‌گرا در کالبد خانه‌ها و بافت کهن سندج (با نگاهی به ویژگی‌های عمارت وکیل‌الملک). فصل‌نامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۷(۲۶)، ۵۵-۶۹.
۵. پویا، جعفر، مهدی‌نژاد، جمال‌الدین، و کریمی، باقر (۱۳۹۴). نسبت و رابطه هویت فرهنگی و نقش آن در طراحی معماری. کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در عمران، معماری و شهرسازی، تهران، ۱-۱۶.
۶. تقی‌زاده، محمد (۱۳۸۴). تاریخ اهواز از دوران باستان تا انقلاب اسلامی، انتشارات موسسه فرهنگی هنری بشیر علم و ادب، تهران. ۲۸۷ صفحه.
۷. خوشنویس، احمد، و پورابراهیم، امید (۱۳۹۳). نقش معماری زمینه‌گرا در حفظ و انتقال هویت معماری بومی. دومین همایش ملی معماری و توسعه شهری با رویکرد پدافند غیر عامل در معماری و شهرسازی، ۱-۱۳.
۸. ستوده، حسام‌الدین، و کریمی، غلامعلی (۱۳۹۵). بررسی ارتباط بین فرهنگ و معماری بومی و تاثیر آن در ارتقاء کیفیت طراحی. اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری و شهرسازی و مدیریت شهری، تهران. ۵-۱۸.
۹. علی‌محمدی، غلامرضا، و عبدالحی، رکسانا (۱۳۹۷). تبیین مبانی نمود فرهنگ در معماری بومی ایران و ارتباط آن با ایجاد حس تعلق به مکان. فصل‌نامه مدیریت شهری، ۵۰: ۳۳-۴۶.
۱۰. کامی‌شیرازی، سیده‌مهسا، سلطانزاده، حسین، و حبیب، فرح (۱۳۹۶). نقش گروه‌های اجتماعی - فرهنگی در شکل‌گیری کوی‌های مسکونی دوره پهلوی دوم در تهران. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۷(۲)، ۲۵-۴۹.
۱۱. کیانی، مصطفی (۱۳۹۶). معماری دوره پهلوی: اندیشه‌ها، پیدایش و شکل‌گیری معماری دوره بیست ساله معاصر ایران. موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران. تهران. ۵۲۶ صفحه.
۱۲. مکملی، نوید (۱۳۹۰). بازخوانی مفاهیمی از معماری و فرهنگ. همایش علوم و فنون معماری اسلامی، موسسه مطالعات تطبیقی معماری و شهرسازی ایران، تهران. ۱۱-۲۷.
۱۳. مولائی، مریم، صفری، حسین، و اسدی‌ملک‌جهان، فرزانه (۱۴۰۰). مطالعه تطبیقی هویت شهر در معماری و عکاسی دوره پهلوی اول. دوفصل‌نامه فضای زیست، ۱(۱)، ۱۳۹-۱۵۷.

۱۴. هلاله، علی، و همتی، محمدمهدی (۱۳۹۲). بررسی تاثیر فرهنگ بر معماری دوره پهلوی اول در اهواز. / اولین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی، قزوین، ۱-۱۲.

15. Borden, I. (2012). Meaning of built environment in Contextual architecture. India. *higher Education press Journal*. 24(3): 20-31.

16. Tang, H.N., & Tareef, H.K. (2012). Revisiting Strategies to Enhance Social Interaction in Urban Public Spaces in the Context of Malaysia. *British Journal of Arts and Social Sciences*. 6(2), 198-212.